

Love Actually¹

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist Church December 22nd, 2024 – Luke :39-45 & 2:1-7)

نمی‌دانم امسال چند بار تکرار «عشق واقعی» نمایش داده شده است، می‌دانم که بخشی از آن را چند هفته پیش دیده‌ام. حالا من قرار نیست نقدی بر فیلم ارائه کنم - خودتان می‌توانید این کار را انجام دهید. یکی از جملاتی که نخست وزیر در این فیلم به کار برده این است: «اگر به دنبال آن بگردی، احساس یواشکی دارم، متوجه می‌شوی که عشق در همه جا وجود دارد». اگر به دنبال آن بگردید، احساس یواشکی دارم که متوجه خواهید شد که عشق واقعاً در داستان کریسمس وجود دارد. امروز چهارمین یکشنبه در ظهور است و ما قبلاً شمع نماد عشق را روشن کرده ایم. عشقی که من در داستان کریسمس می‌بینم از آن نوع عشق احساساتی بیمارگونه ای نیست که در فیلم می‌یابیم. یا من در داستان قدم بزنیید و بگذارید منظورم را به شما نشان دهم. در Love Actually هایی مانند همان ابتدا فرشته ای را داریم که به دختر جوانی در شهر کوچک ناصره ظاهر می‌شود. حالا این تجربه شبیه عشق نیست، باید برای دختر جوان ترسناک بوده باشد. حتی شوکه کننده، شاید او فکر می‌کرد که در حال توهم یا حداقل خواب دیدن است. سپس فرشته کلمات محبت آمیز را به او می‌گوید. فرشته به او می‌گوید که مورد لطف و عنایت خداوند قرار گرفته است و خدا او را دوست دارد و زمان بسیار جالبی برای او در پیش دارد. فرزندی که او خواهد داشت و از او مراقبت می‌کند، کسی است که صلح و آزادی را برای مردم به ارمغان می‌آورد. مری به زودی متوجه می‌شود که پسر عمومی بزرگترش نیز دقیقاً در همان زمانی که مری متوجه می‌شود که او نیز فرزندی خواهد داشت، درست همانطور که فرشته گفته بود، بچه‌دار خواهد شد. مری برای دیدن و ماندن در کنار پسر عمویش به تپه‌ها می‌رود. ما واقعاً نمی‌دانیم چرا مری به آنجا می‌رود. آیا او می‌رود تا به پسر عمومی بزرگترش کمک کند یا می‌رود تا از شایعات در مورد وضعیت خودش دوری کند. مری، دختری 12 ساله، خود را مجرد و باردار می‌بیند - این به معنای سنگسار شدن بود. شاید الیزابت و همسرش مکانی امن برای مری فراهم کنند. این پسر عموها عشق و مراقبت متقابلی نسبت به یکدیگر دارند و در حبس خود در طول دو بارداری سخت. مراقب یکدیگر هستند.

هنگامی که مریم به ناصره باز می‌گردد، نیاز به گفتگوی دشوار با یوسف دارد. به او قول ازدواج داده شده بود اما خبر حاملگی او و این که یوسف پدر نبود، یوسف را در موقعیت دشواری قرار داده بود. اگر یوسف خشمگین می‌شد و کاری را که قانون به او اجازه می‌داد انجام می‌داد، قابل درک بود - خود را از شر این مشکل و شرمندگی که بر سر خانواده‌اش آورده بود خلاص می‌کرد. اما نه، او مردی دلسوز است و به وضوح مریم را دوست دارد، بنابراین ترجیح می‌دهد در کنار او بایستد. عشق شجاعانه و دلسوز. سپس یک پیچ دیگر - آنها باید به شهر دیگری سفر کنند، خانه اجدادی او در بیت لحم، زیرا اشغالگران این سرزمین می‌خواستند سرشماری انجام دهند. یوسف دوباره تمام تلاشش را می‌کند تا به مریم کمک کند تا بداند که او را دوست دارند و از او مراقبت می‌کنند. با ارائه هرچه بیشتر حمایت از او به بیت لحم سفر می‌کنند، تا جایی که می‌تواند از او در برابر شایعات محافظت می‌کند، به آرامی از او مراقبت می‌کند که به زایمان نزدیک می‌شود، تضمین می‌کند که می‌توانند جایی برای ماندن حتی در میان هرج و مرج در بیت لحم پیدا کنند. به او اجازه دهید به او تکیه کند، به او اطمینان دهد، با شروع انقباضات به پشت او مالید، نقش پدر را برای این کودک به عهده بگیرد. عشق حمایتی و بسیاری از اعمال محبت همسایه ای که در راه با آنها مواجه می‌شدند، وجود داشت. شاید به اشتراک گذاشتن توصیه هایی در مورد تولد آینده، یا کمک به حمل بار، تقسیم غذا. به محض ورود، عمل دیگری از محبت. همسایگی - مسافرخانه‌داری که نیازی را می‌بیند و هر کاری می‌تواند انجام می‌دهد تا زندگی را کمی آسان‌تر کند. بنابراین، اگر نگاه کنید، می‌بینید که عشق در تمام این داستان نفوذ کرده است که اساس ایمان ما است. عشقی که ریسک دارد عشقی که دگرگون کننده است. عشقی که دلسوزانه است. دوست دارم با دیگری سفر کند. عشقی که شجاعانه است. عشقی که حمایت کننده باشد. عشقی که دیگری را بر خود مقدم می‌دارد. در نهایت داستان در مورد عشق خدا به جهان است. عشقی که شکل انسانیت ضعیف و آسیب پذیر ما را به خود می‌گیرد. عشقی که راه جدیدی برای زندگی به ما نشان می‌دهد. عشقی که می‌بخشد عشقی که آرامش و آزادی را برای ما به ارمغان می‌آورد. عشقی که به فقرا و حاشیه نشینان اهمیت می‌دهد. عشقی که گسترده است و به همه می‌رسد بدون توجه به جنسیت، قومیت، اعتقادات مذهبی، موقعیت اجتماعی، سن، پیشینه خانوادگی، اشتباهات، درک و شک و تردیدشان. همه اینها عشقی است که ما در چهره کودک کوچکی می‌بینیم که از یک مادر نوجوان مجرد در اتاقی

¹ Film, Love Actually, 2003

Love Actually

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist Church December 22nd, 2024 – Luke :39-45 & 2:1-7)

بیرون از پشت به دنیا آمده و در اتاق تغذیه گاو می خوابد. اینگونه است که خداوند به دنیا نشان می دهد که ما دوست داریم. این عشقی است که باید زندگی کنیم، عشقی که همه را به خطر می اندازد، عشقی است که به همه اهمیت می دهد، عشقی است که می بخشد، عشقی که شامل می شود، عشقی است که آزاد می کند، عشقی است که در زمان نیاز حمایت می کند، عشقی است که شجاعت می خواهد، عشقی که شوکه می کند، عشق که حتی ممکن است بترساند، عشقی که دگرگون می شود و عشقی که تنها راه زندگی در صلح است. عشقی که هر ترسی را از بین می برد. عشقی که به شیوه های شگفت انگیزی به سراغ همه ما می آید. عشق در واقع همه جا هست، اگر به دنبالش بگردی. آمین